

دانشجوی حساب کن!

دانشجویی حساب کن، این شوخی متداول و از جمله اصطلاحات مرسوم فارسی‌زبان‌ها برای تخفیف گرفتن است. از رواج این تکیه کلام نباید چندان تعجب کرد...



بررسی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویی

دانشجویی حساب کن!

«دانشجویی حساب کن»، این شوخی متداول و از جمله اصطلاحات مرسوم فارسی‌زبان‌ها برای تخفیف گرفتن است. از رواج این تکیه کلام نباید چندان تعجب کرد، چرا که وقتی در صدد گفت‌وگو در باب مشکلات زندگی دانشجویی برمی‌آییم، مساله معیشت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در صدر قرار می‌گیرد. حامد، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران است. او که ساکن خوابگاه است می‌گوید این زندگی متناسب با شان یک دانشجوی دکتری نیست. حامد معتقد است آرامش فکری و تامین اقتصادی کافی برای فعالیت به عنوان یک دانشجوی دکتری وجود ندارد. وی ادامه می‌دهد: «نیازی به استفاده از الگوهای غیرایرانی نیست. در دانشگاهی که دوره ارشد خود را در آنجا گذراندم، دانشگاه، تمام دانشجویان دکتری اش را بورسیه کرده، خوابگاه متاهلی در اختیار آنان قرار داده و ماهانه 500 هزار تومان به عنوان حقوق به آنها می‌دهد. این دانشگاه همه دانشجویان خود را از هر گونه فعالیت شغلی منع کرده و در عین حال تمام فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان خود را خریداری می‌کند.» به عقیده حامد چنین فضایی آرامش فکری لازم برای فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان دکتری را فراهم می‌کند. این تنها، مشکل حامد نیست، وحید، دیگر دانشجوی دکتری می‌گوید: «دانشگاه‌های دولتی به همه دانشجویان روزانه دکتری اخطار می‌کنند که نباید در جای دیگری شاغل باشند و در عین حال کوچک‌ترین فرصت آموزشی و پژوهشی برای مشارکت آنان در امور دانشگاهی قرار نمی‌دهد. جدای از مسائل اقتصادی، تحصیل در مقاطع تکمیلی در ایران در حال تبدیل شدن به یک فعالیت جنبی و کسب یک عنوان دهن پرکن صرف است.»

اگرچه وزارت علوم برای دانشجویان دکتری مبلغی به عنوان پژوهانه تدارک دیده، اما روند دشوار اداری، موکول بودن پرداخت آن به تصویب موضوع رساله و الزام به انتخاب عناوین تحت حمایت برای رساله باعث شده این ابزار عملاً از کار بیفتد. صادق واعظ زاده، رئیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال گذشته پرداخت پژوهانه به دانشجویان دکتری را طرح موفقی خوانده بود که درست ادامه نیافت و تصریح کرده بود: «زنده کردن دوباره این طرح و گسترش آن به دانشجویان کارشناسی ارشد باید در دستور قرار گیرد تا دانشجویان تحصیلات تکمیلی با داشتن یک زندگی دانشجویی ساده بتوانند با فراغ خاطر به پژوهش بپردازند.»

شهاب دانشجوی کارشناسی ارشد، اصلی‌ترین آسیب زندگی دانشجویی را وضع در هم تنیده خوابگاه می‌داند. او معتقد است زندگی در فضای تنگ خوابگاه عملاً زندگی دانشجویی را از معنا می‌اندازد. شهاب، نبود تجهیزات و امکانات ورزشی و فقر برنامه‌های فرهنگی جنبی را نیز از دیگر دشواری‌هایی می‌داند که سبب روی آوردن دانشجو به بطالت و امور بی حاصل می‌شود. مرادیان، رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم در اردیبهشت امسال، سرانه فضای خوابگاه برای هر دانشجو را 10 تا 14 متر مربع عنوان کرده و گفته بود: «در شهرستان‌ها این میزان رعایت می‌شود، اما در کلان‌شهرها با توجه به حجم متقاضیان و همچنین کمبود فضای خوابگاهی ممکن است این رقم از ده متر به هشت متر نیز برسد، ولی کمتر از هشت متر نخواهد بود.» شهاب که خود دانشجوی شهرستان است با رد این مساله می‌گوید اتاق او در خوابگاه، سه نفره است و 12 مترمربع مساحت دارد. شاید آمار درست‌تر را محمدحسین آیتی، معاون دانشجویی وزارت بهداشت می‌دهد. او می‌گوید سرانه خوابگاه دانشجویان علوم پزشکی چهار متر مربع است.

مهدی مقدم منش، سرپرست اداره تربیت بدنی وزارت بهداشت در آغاز سال تحصیلی جاری گفته بود: «در دانشگاه‌های علوم پزشکی، سرانه فضای باز ورزشی برای هر دانشجو 1/5 تا 2 متر است و در عین حال بسیاری از فضاهای ورزشی و حتی نمازخانه‌ها را برای ایجاد خوابگاه تغییر کاربری داده‌اند.» درباره سرانه ورزشی فعلی دانشگاه‌های دولتی رقمی در دست نیست، اما سرانه فضای ورزشی سرپوشیده در ابتدای سال 90، کمتر از یک متر بوده است؛ رقمی که تا پایان برنامه پنجم باید به 1/5 تا 2 متر برسد.

زندگی دانشجویی برای دانشجویان دوران کارشناسی داستان متفاوتی دارد. شاید این گروه از دانشجویان با مشکلات مالی مرسوم سایر گروه‌ها طرف نباشند، اما تجربه استقلال، مشکل کوچکی نیست. این دوران برای بسیاری از این دانشجویان نخستین تجربه دوری از خانواده به شمار می‌رود، خاصه آن که بسیاری از دانشجویان با بحران‌های آغاز جوانی دست و پنجه نرم می‌کنند. لیلا احمدیان، روان‌شناس، پیشتر گفته بود دانشجویانی که حس استقلال طلبی آنان در دوران کودکی به قدر

کافی پرورش نیافته است، در زندگی خوابگاهی در معرض خطر افسردگی ناشی از خلا عاطفی قرار دارند. به اعتقاد مشاوران خلاقهای عاطفی ممکن است روابط دلبستگی میان دانشجویان را به وابستگی تبدیل کند.

سیدحبیب الله احمدی، مشاور در این باره می نویسد: «مصدق بارز، همان است که فرد، رضایت عاطفی و هیجانی خود را فقط در گرو ارتباط دائمی و افراطی بایک فرد مشخص می داند. این حالت، یک حالت ناسالم به لحاظ روانشناختی است و باید از سوی یک مشاور یا روان شناس مجرب در حیطه روابط بین فردی، تحت مداخله قرار بگیرد.» اگرچه گذر زمان و پختگی بعضی از این حالات را در میان دانشجویان کم سن و سال تر جبران می کند، اما این جنس روابط، خود مستعد خطرات و آسیب های بزرگ تر برای دانشجویان است.

محمدمنصوری بروحنی/ جام جم